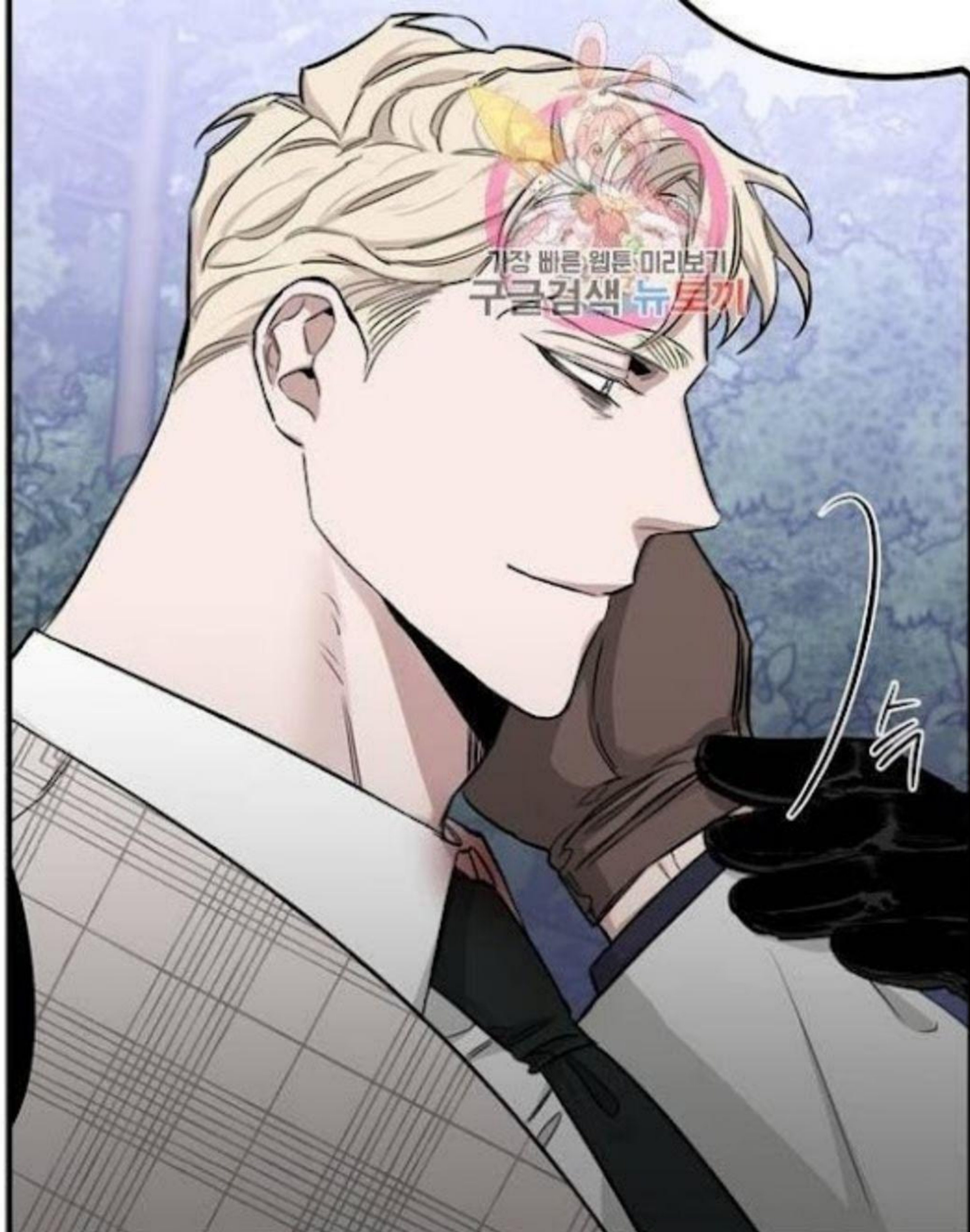




صدمه
دیدی...؟



کی اینجوری
شد...



صداتو بیار
پایین



بیا بعدا حرف
بزنیم

م: من مردم با اجازه
ا: برای مترجم فاتمه بفرستین

از الان، ندید گرفتن
آسیب بدنمون
اولویته



타





کلی خون داره
ارزش میره، باید
چلو شو بگیرم...

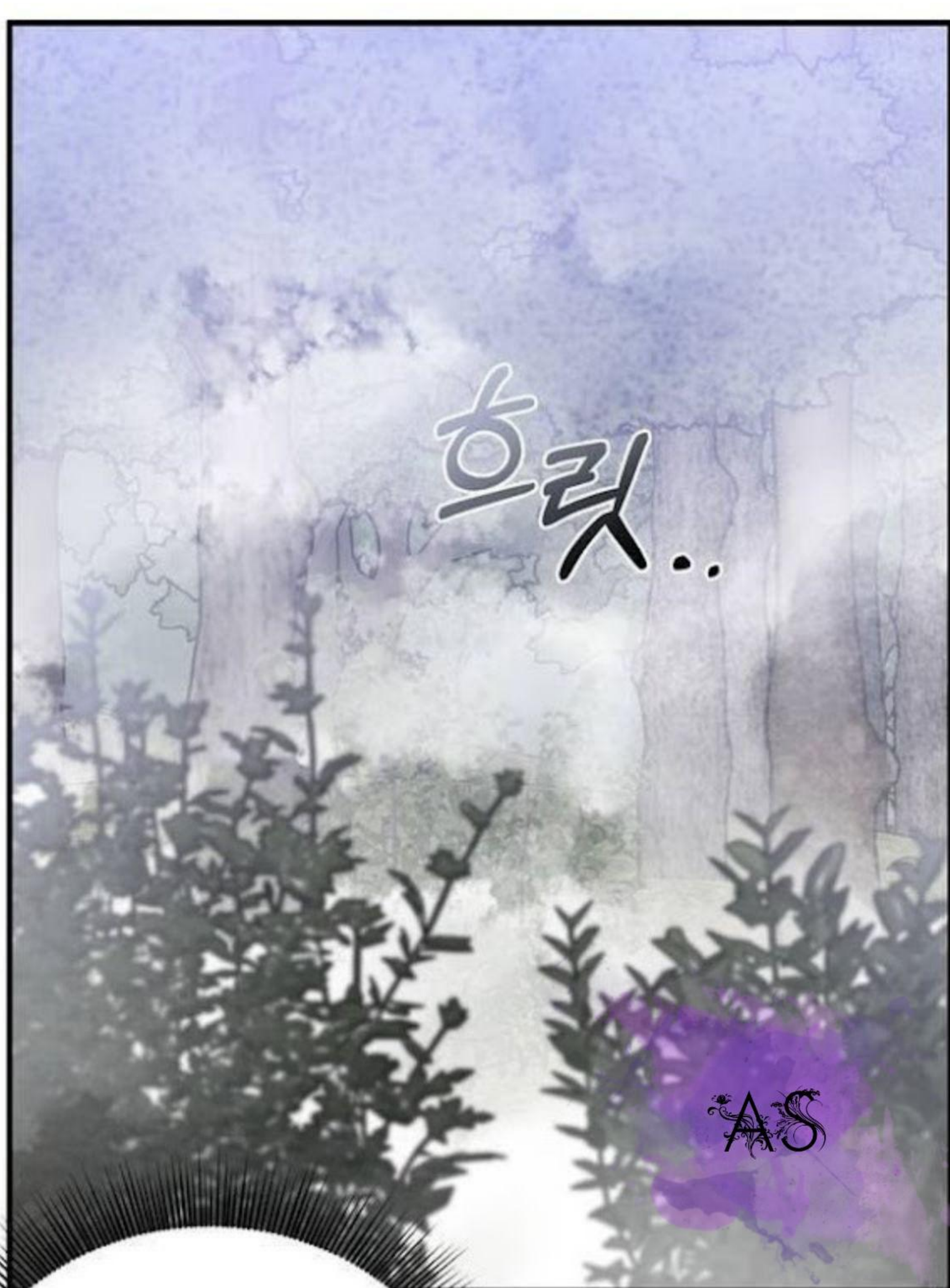


وقتی قرار کردیم
زخم شده بودی یا یا
موقع قرار اینجوری
شدی؟

دشمن...!



흐릿..



ولی هیشکی
اونجا نیست...



اگه په په آدم
پیگناه صدمه
پزنی چی..



음쩍



쉴적



AS



타양

타

탕

چی؟

두근

두근

هیچکس نبود

قایم شده؟

آدميه؟ سزار چه جور

سزار امنه؟

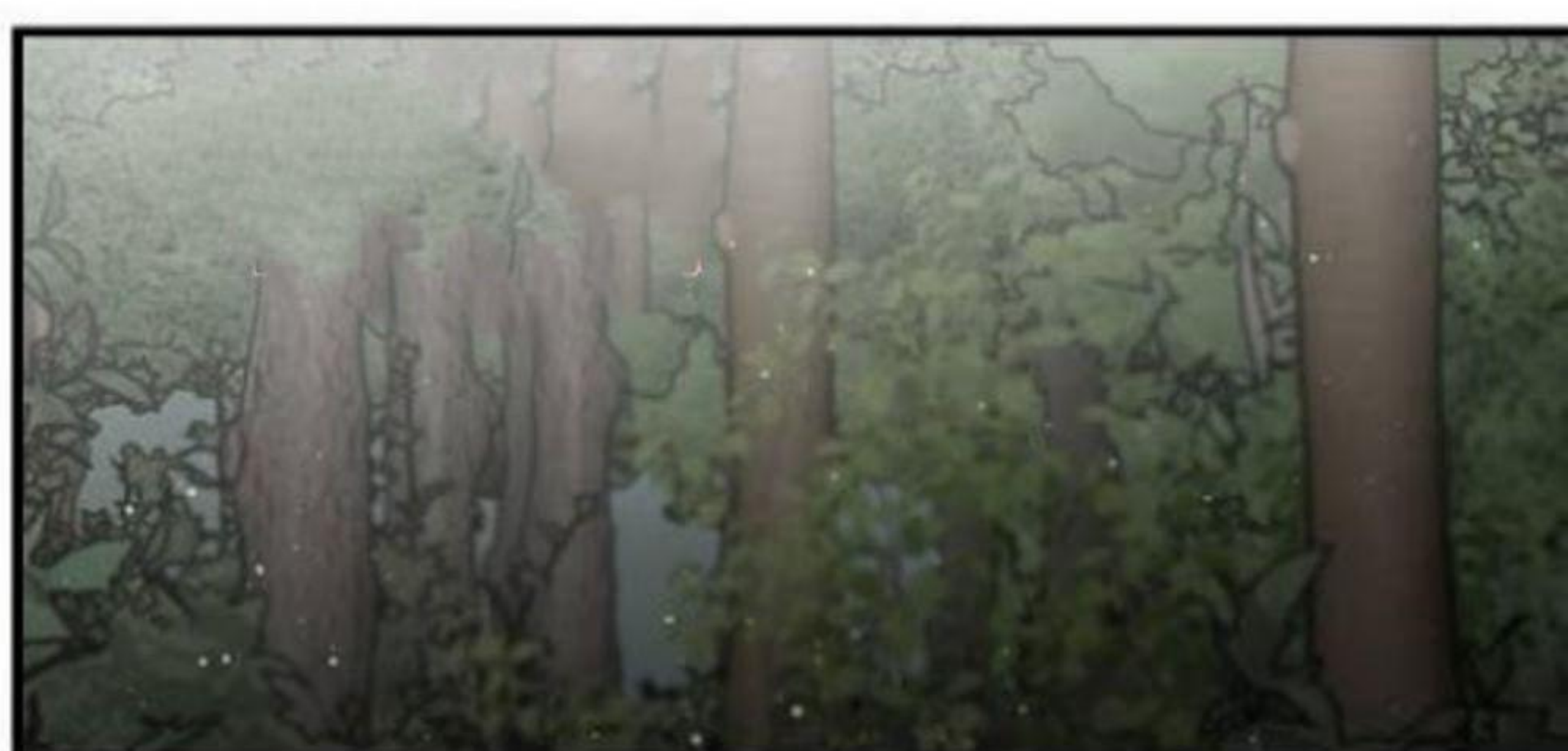
덥썩

AS

화악

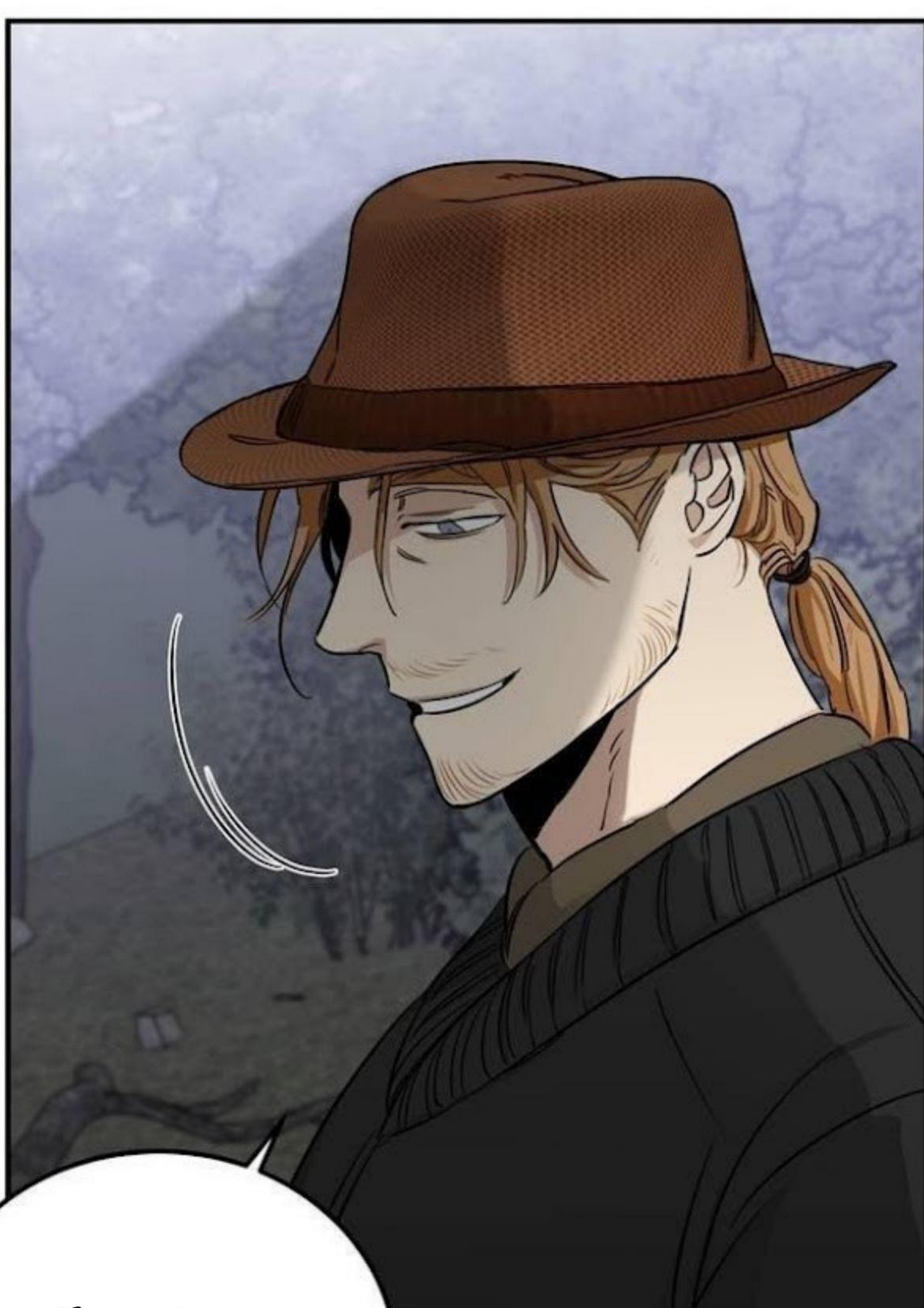
پاشو





지백





همونجور که
گفتی، تزار...

تو به موقعیتی مثل
این، عشقتو برداشتی
و خودتو مخفی
کردی

지익..

انگار ساشا
حسابی روش
کار کرده

AS

این یکار جدای
از کار دستوره،
ولی..



سکی : بمیر بچ ، حق سزار

آسیب زدن به قلب اون
مرد چقدر هیجان انگیز
می تونه باشه



اگه مغزشو
منفجر کنم

کلی خون و چپز
میپاشه اینور
اونور

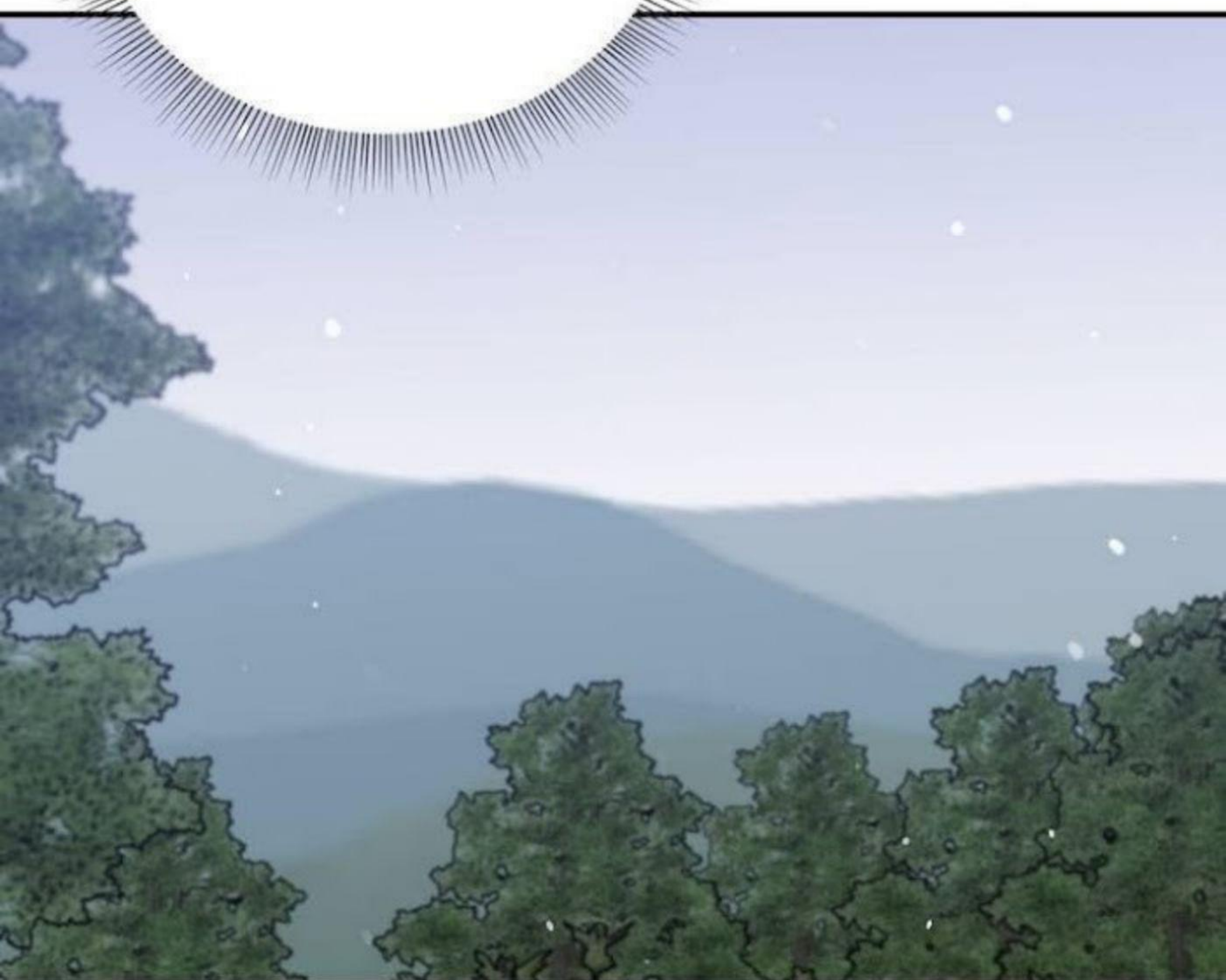
AS



하아..



خب.. زمان
زیادی دارم



장미와 삼파인

만화 뽕개 | 원작 ZIG

24



AS





تمام. جلوی
خونریزی رو با
این گرفتم...



اما، غیر ممکنه پشه با یه
شال گردن و یه دستکش
جلوی این همه خونو
گرفت

انقد پده
خونریزیش که
زخم حتما عفونت
می کنه



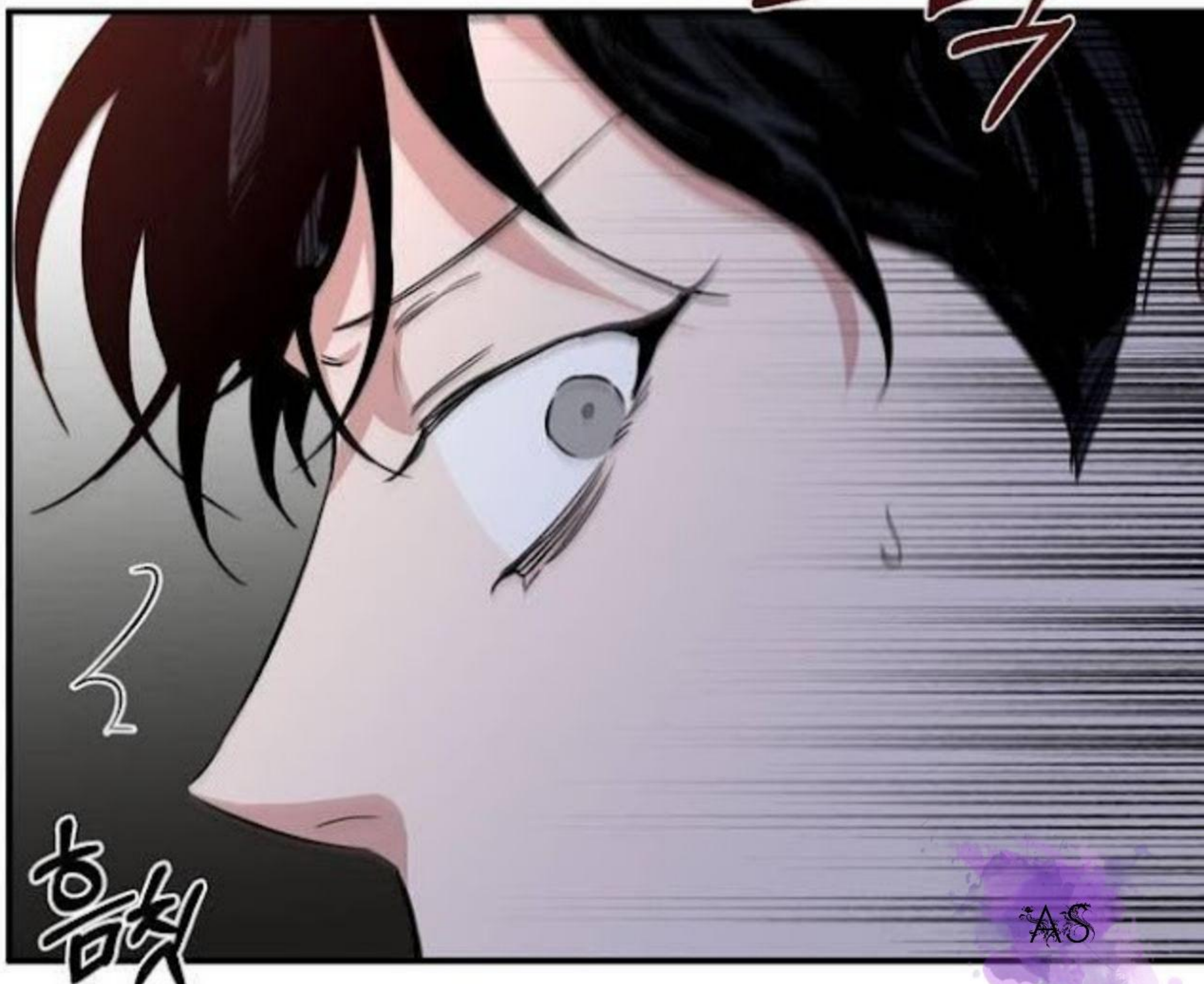


가장 빠른 웹툰 미리보기
구글검색 뉴토끼

حتی بدن مثل
مال اون هم حدی
پرای صدمه دیدن
داره...

باید یه راهی پیدا
کنم، ولی چیکار باید
بکنم؟

부스럭



흐믓

AS

اوکیه، فقد
صدای برگه

푸욱

.....



حسابی داره ازم
مراقبت میشه

آره این دروغت در
حد این که تفنگ با
خودت نیاوردی کله
گنده بود



هاهاها



بدنش
سردده...

اگه اینچور
پیش بره...



نگران
نباش



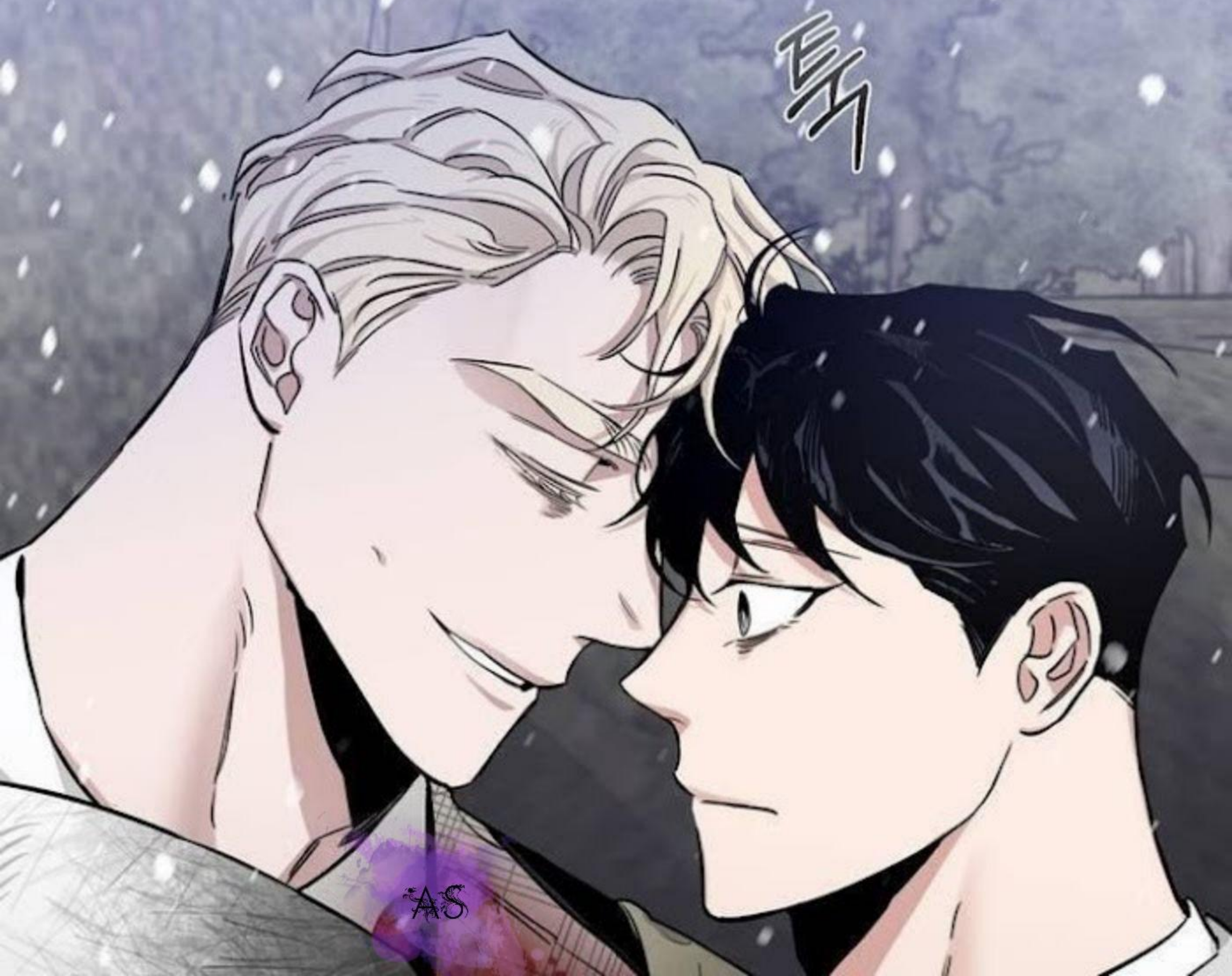
چیزایی بدتر از این
هم بوده



۴: من گریه نمیکنم... اصلا
گریه نمیکنم

سکی : ددی جنتلمن اووووف
نگران خودش نی نگران
باتم شه

نگران نباش من هرچیم
بشه ازت محافظت
میکنم





لی ووون آه

مخپلی نگران
نېاش

مامان
مراقبتہ



این شرایط
برات
آشناست؟

پس، میتونی قول
میدی این شکلی
نمیشه؟

چه قدر چیز باید از سر
بگذرونی که اینجوری
زندگی کنی...

نمیدونم





가장 빠른 웹툰 미리보기
구글검색 **뉴토끼**

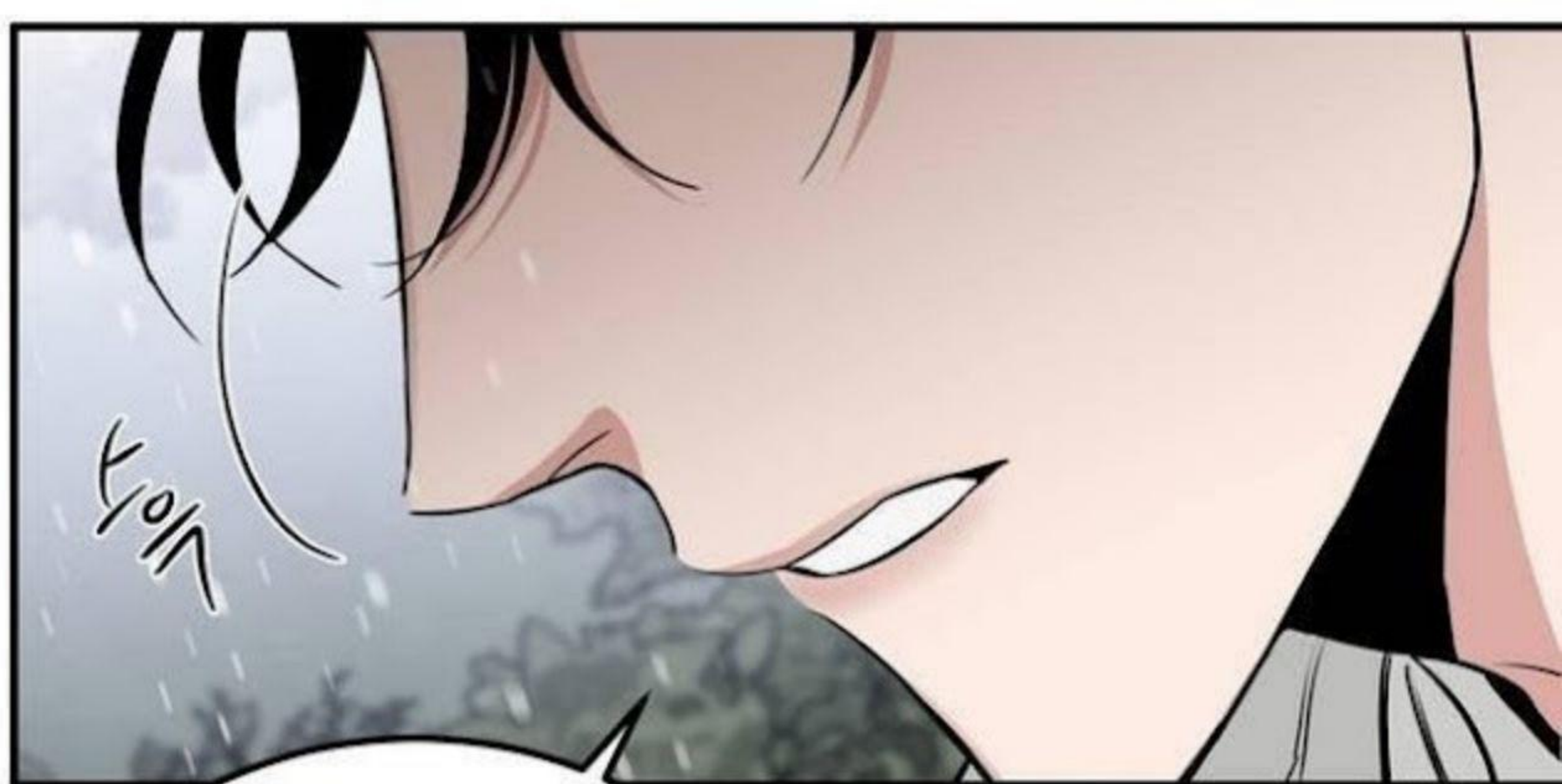


۴ت: چرا مرگ من رو تو چنل
اعلام نمیکنید... علوا پفش کنید
برام.. روهم را شاد کنید...

سکی : عدررر
اره اره بلافره یس یس
یس 🎉 ، فاته
مترجم رو هم بفرستین
علواشم بفوریم حیفه

خیلی بهش
فکر نکن...

فقط بگو به چی
الان داری فکر
میکنی؟



چرا میخای اینجوری
ازم مراقبت
کنی

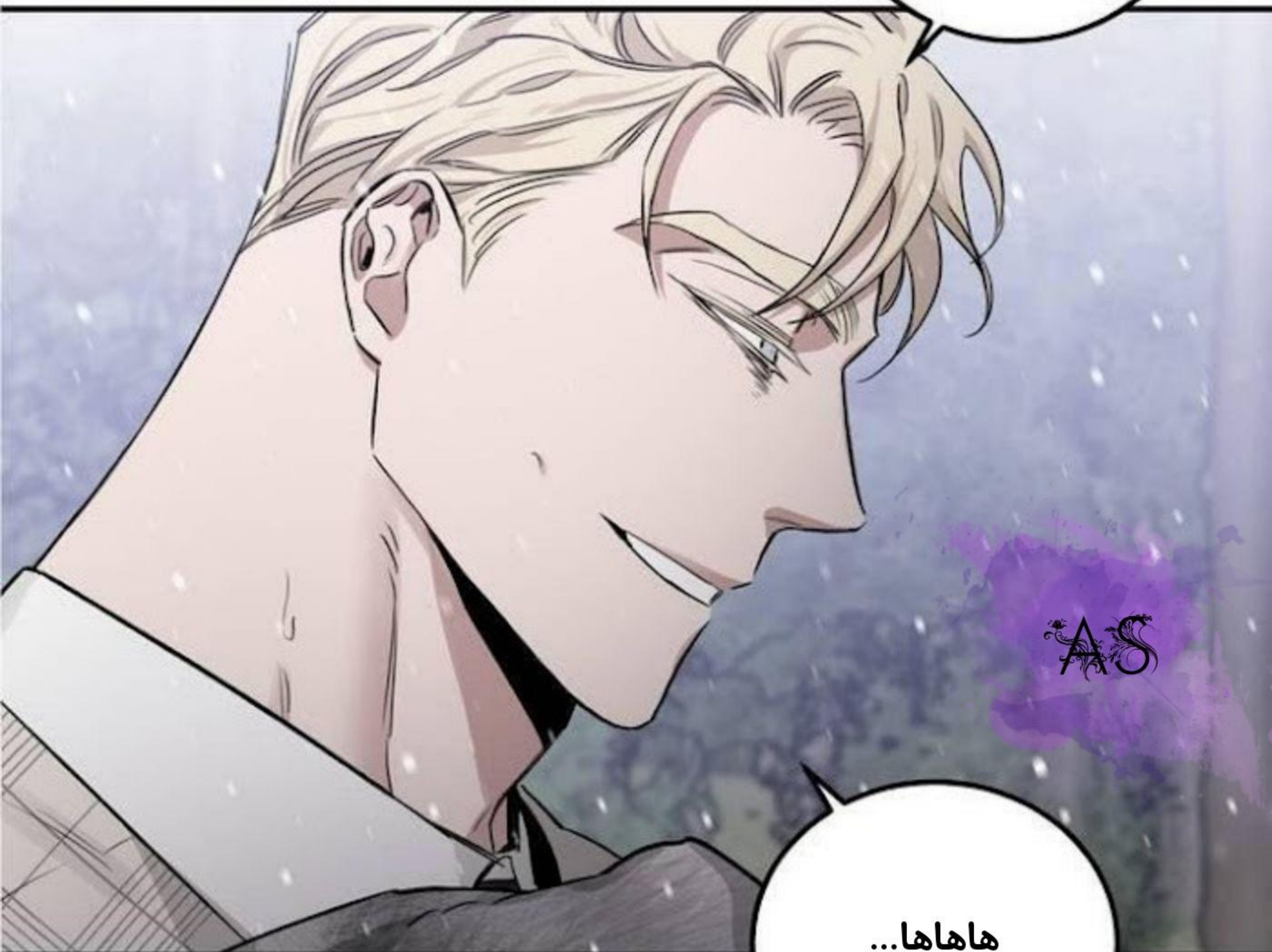
نمیدونم واقعا...

الان فقط، میتونم
حس کنم چقد
بدبختم

درسته...



منظورم اینه که، نیاز
نیس کاری کنی تا یه
راهی برای رفتن ازینجا
پیدا کنیم...



هاهاها...

آقای وکیل
...تو...

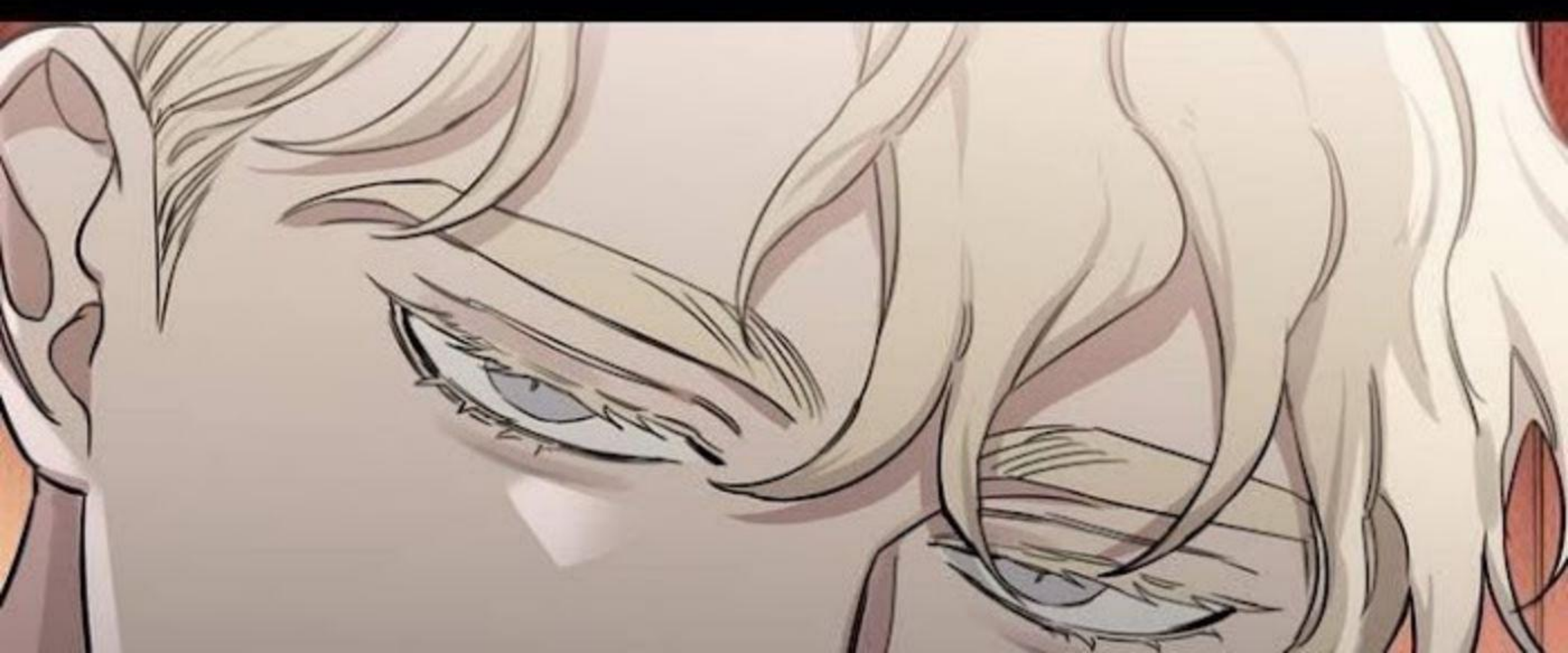
م: نه...

س: پال گونشو



سزار!!!!

AS



متاسفم.. تو
باید بمیری



سکی : زنیکه عنتر

متوجهم

빠른 웹툰 미리보기
구글검색 뉴토끼



این دفعه خانه
داره...

په مشت آدم
چدید دوپاره
اومدن

خیلی متاسفم

AS





حس بدی
ندارم

به کشتن بچه ای
مثل تو، اما...

نمیتونم اینکارو
بکنم







حالا حوصلم
سر رفته...

وقتی می‌دونم
فایده ای نداره

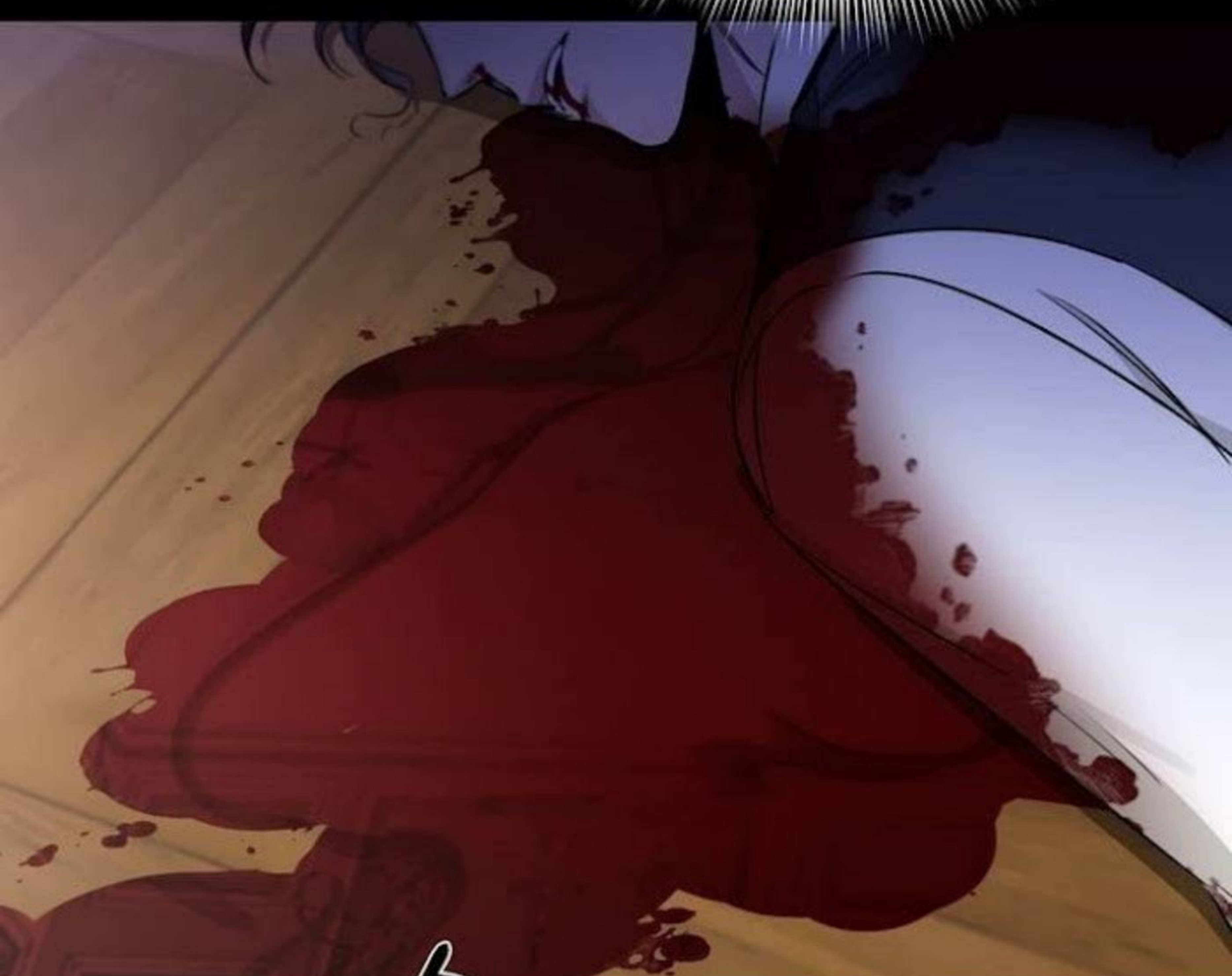




가장 빠른 웹툰 미리보기
구글검색 뉴토끼

بدون محسّنه
شدن نجات پیدا
کردم

این دفعه هم
نجات پیدا
کردم...



크익..



A man in a dark suit and white shirt is looking down at a woman lying on the ground. The woman has blonde hair and is wearing a grey jacket. She is lying on her back, looking up at the man. The background is dark and blurry. There is a large white circle with a sunburst effect around it, containing Persian text. Below it is a white octagonal shape with Persian text. To the right of the woman's head is a lightning bolt with Korean text. In the bottom right corner is a purple logo with the letters 'AS'.

هرچند، به
روزی من...

سزار!!!

퍼뜩

AS

عقلتو از
دست دادی؟!



تا حالا این وقت
حس گیج بودن
کرده بودم؟

اینچوری
عقلت رو از
دست دادن



حواسم پرت شد

음꺄



저벅

저벅

داره
مياد...

فقد
گلوله موئده

خوبی؟



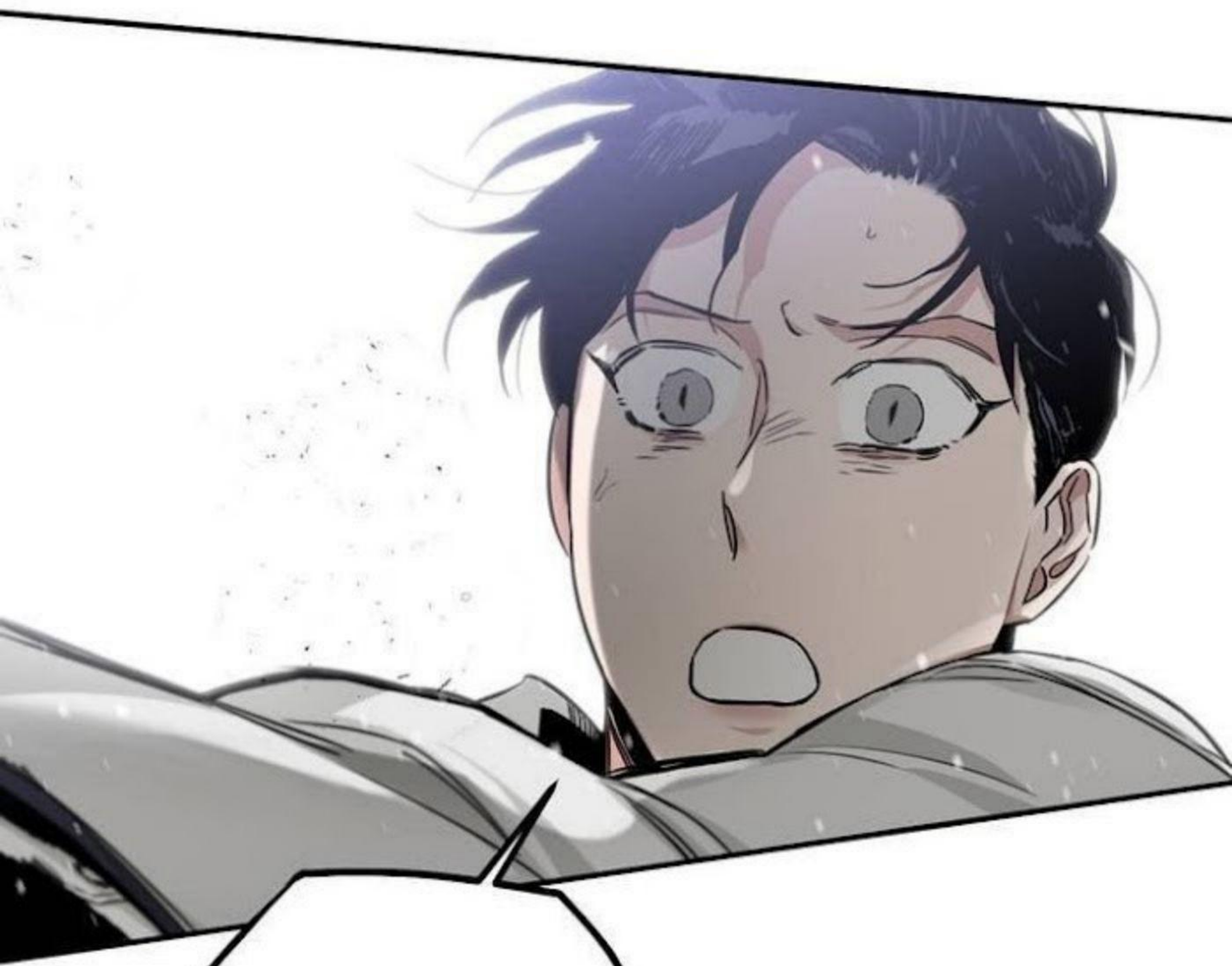


سکی : چه صحنه ژذابی

تو...

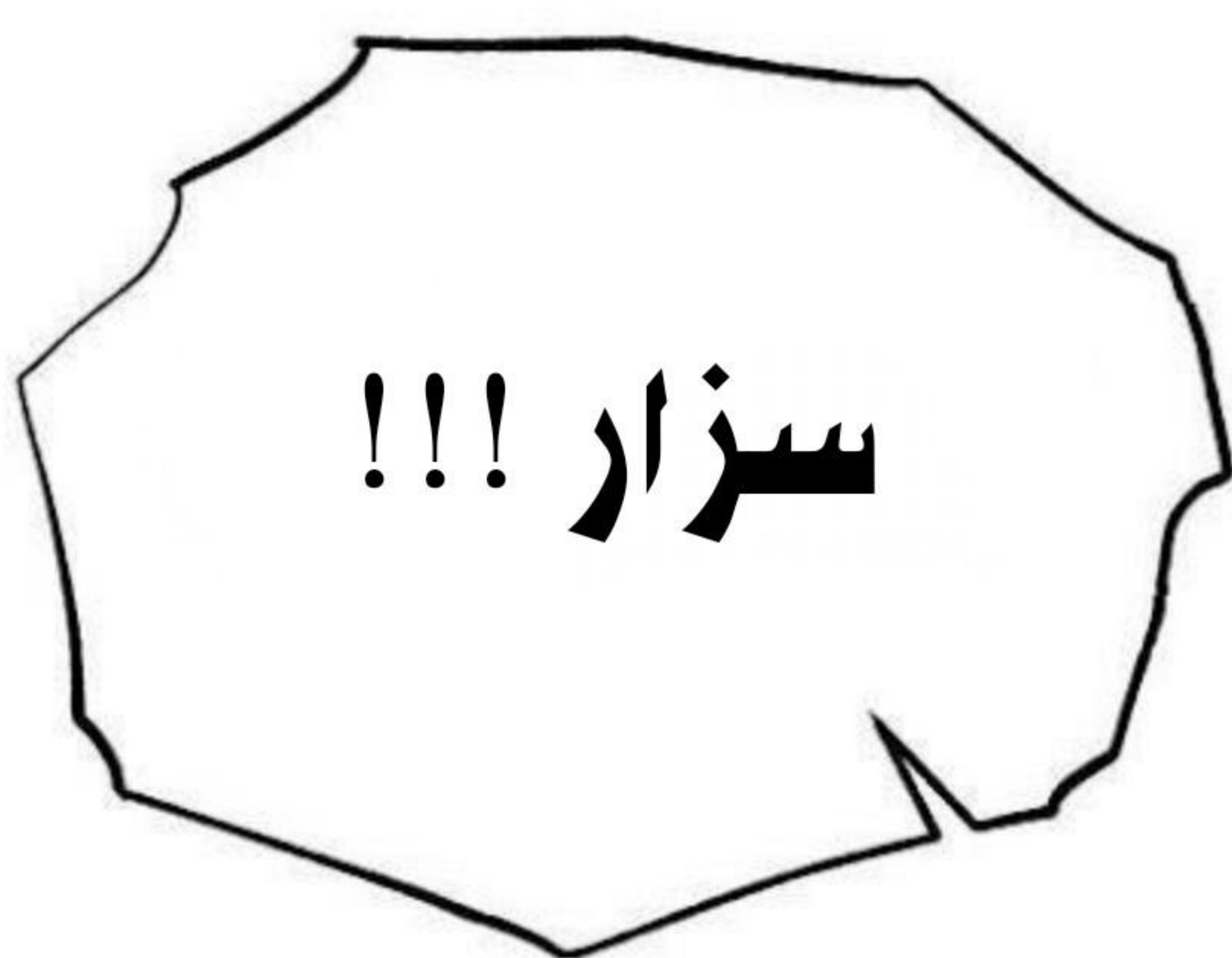
بیا وقتی
شلیکش کردی
فرار کنیم

قوی بمون، و با
هرچیزی کنار
نیا



وايسا...!!





کشش



سکی: در هر حالتی ژذابه یاه یاه

م: بله سیزن یک بدین گونه تموم من میرم تو تابوتم عر
بزنم... چرا باید ده پپتر تو یه روز میزدم آفه مشکلم پی بود
مرضم پی بود آروم آروم با فقایق رو در رو میشدم چه مشکلی
داشت؟...

سکی: دست مترجم درد

نکنه